

حکمرانی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران الهام بخش بیداری اسلامی

وحید آرای^۱

چکیده

بیداری اسلامی جنبشی است که مبتنی بر آگاهی و بنیاد اسلام خواهی شکل گرفته و وقوع انقلاب اسلامی در ایران بر فرایند اسلام گرایی و گسترش بیداری اسلامی در جهان اسلام به ویژه در کشورهای عربی تأثیر فزاینده‌ای داشته است. این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش می‌پردازد که مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران که موجب الهام بخشی بیداری اسلامی شده است، چیست؟ در پاسخ باید گفت انقلاب اسلامی با تکیه بر حکمرانی فرهنگی به ویژه ارزش‌هایی نظیر آموزه‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ مقاومت و شهادت، معنویت و ولایت فقیه توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد و اقتدار فرهنگی و نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، حکمرانی نرم، فرهنگ، بیداری اسلامی.

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

مفهوم حکمرانی و قدرت نرم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ در نشریه آتالنتیک مطرح نمود (Nye, 1990). وی اعتقاد دارد که قدرت، مانند آب و هواست، همه به آن مربوط هستند و درباره آن صحبت می‌کنند، اما عده کمی آن را درک می‌کنند (Nye, 2002:9) امروزه این واقعیت غیرقابل انکار است که هیچ سیاستی بدون بهره مندی از منابع حکمرانی نرم نمی‌تواند موفق و مؤثر باشد. فعال سازی این منابع برای تأمین منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی مسأله‌ای ضروری به شمار می‌آید که تمامی بازیگران به نوعی نسبت به آن حساس می‌باشند (Sharp, 2005:423). حکمرانی نرم یک کشور از طریق ظرفیت جذب کنندگی سنجیده می‌شود. موفقیت حکمرانی نرم یک کشور به شهرت و حسن نیت آن در جامعه بین‌المللی و همچنین انتقال اطلاعات بین دولت‌ها و ملت‌ها بستگی دارد. امروزه شکل جدیدی از قدرت، حکمرانی نرم می‌باشد که پس از دوره جنگ سرد مورد تأکید روز افزون قرار گرفته شده است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۴). جوزف نای بر این باور است قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن - به جای اجبار و یا امتیاز دادن - است وی معتقد است این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروعیت دارد، قدرت نرم ما تقویت شده است (نای، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۳).

بیداری اسلامی مراحل را پیموده است. مرحله اول که تحت عنوان نهضت اصلاحی نامیده می‌شود سیدجمال الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، محمدعبده، ابوالاعلی مودودی و حسن البنا از مهم ترین متفکران مرحله اول می‌باشند. مرحله دوم که تحت عنوان انقلاب و جهاد نام برده می‌شود با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران آغاز می‌شود. امام خمینی (ره) برجسته ترین رهبر این دوره است. مرحله سوم که شاهد افزایش مشارکت سیاسی و جهاد در جهان اسلام می‌باشیم. بیداری اسلامی پس از دوران انقلاب و جهاد به تکامل رسید و در جاهایی که امکان مشارکت سیاسی و شریک شدن در حکومت برای اسلام گرایان فراهم شد از این پایگاه اجتماعی خود بهره بردند و موج چهارم بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۰ میلادی در شمال آفریقا و غرب آسیا آغاز گردید، تلاش جوامع در راستای احقاق حقوق از دست رفته خود و ایجاد تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی با محوریت اسلام است (مرادپور دهنوی، ۱۳۹۹). انقلاب اسلامی ایران با ارسال پیام‌های الهام‌بخش و ارزش محور،

زمینه بازگشت مسلمانان به هویت دینی و اسلامی خود را فراهم آورد و الگوی جدیدی از پیشرفت را به دنیا معرفی کرد و از این راه ثابت کرد که نظریه‌های احیاگران تفکر دینی، در همه عرصه‌ها اجرا شدنی است. انقلاب اسلامی ایران کلیدواژه‌های جدیدی از توسعه مبتنی بر دین را به دست داد؛ به طوری که در کنار بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های مادی برای رشد و ارتقای شاخص‌های اقتصادی، امکان توسعه عدالت‌محور و توجه به کرامت انسانی را فراهم آورد (جهانگیر و ملکی، ۱۳۹۴).

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان از مهمترین تحولات جامعه بشری در طول چند سده اخیر دانست که تأثیرات غیرقابل انکاری بر روند تحولات جهان معاصر داشته است (محمد میرزایی، ۱۴۰۱). آنچه انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است، وجه فرهنگی و جنبه نرم‌افزارگرایانه آن است که تجلی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و از جمله شاخص‌های اصلی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بر پایه همین قدرت نرم انقلاب اسلامی بود که امکان ساقط شدن بنیان‌های قدرت سخت‌افزاری رژیم پهلوی و به چالش کشیده شدن سلطه سلطه‌گران جهانی فراهم گردید (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳).

مؤلفه‌های فرهنگی ارزشی انقلاب اسلامی طی فرآیندی تدریجی، تغییر قابل توجهی در متغیرهای رفتاری و باورهای اسلامی - هویتی مردم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در مواجهه با ساختارهای سیاسی حاکم ایجاد کرده است. انقلاب اسلامی نشان داد که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی قلمداد شود و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی این خودباوری را به ملت‌های مسلمان اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و بازتعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی، باب خلاقیت اسلامی را گشود. انقلاب اسلامی با اثبات توانایی دین برای حکومتداری و احیای نقش دین به عنوان عنصری تأثیرگذار بر تحولات جهانی، توانست به زنده کردن هویت اسلامی بر اساس پیوند دین و سیاست مبادرت کند (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴).

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱-۱. پیشینه تحقیق

قربی و حیدری (۱۳۹۷) یکی از مهمترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، را فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی می‌دانند که قابلیت ارتقای قدرت نرم جامعه ایرانی در سطح داخلی و خارجی را دارد. به همین منظور، با تحلیل محتوای قانون اساسی می‌توان ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های نرم‌افزاری ایران در حوزه قدرت را بازآفرینی و عملیاتی نمود. منابع فرهنگی قدرت نرم ایران در قانون اساسی در چهار حوزه نمادهای ملی، نمادهای دینی، ارزش‌های سیاسی و علم و دانش قابلیت شناسایی دارند و مؤلفه‌های مستخرج نشان می‌دهند که ایدئولوژی اسلامی، استقلال فرهنگی و آزادی، قسط و عدل، علوم و فنون برترساز بیشترین فراوانی‌ها و ارتباط مؤثری با قدرت نرم‌افزاری ایران دارند. افضل‌ی و همکاران (۱۳۹۷) با هدف شناسایی ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و استفاده از فرصت‌های ایجاد شده ناشی از آن به منظور نقش‌آفرینی مؤثر در روابط بین‌الملل مشخص نمودند در بُعد فرهنگی، موقعیت فرهنگی ایران به لحاظ تاریخ و تمدن کهن و چندین هزار ساله، در بُعد اقتصادی، مزیت نسبی در تولید و توزیع یک کالای خاص و در بُعد سیاسی، وحدت و اعتماد ملی بالاترین ضریب اثر را در قدرت ملی دارند. ذوالفقاری و دشتی (۱۳۹۷) معتقدند امروزه جایگاه مؤلفه‌های فرهنگی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی بیشتر از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است و ابزارهای فرهنگی به مثابه یکی از مهم‌ترین روش‌ها و تاکتیک‌های قدرت نرم مطرح می‌شود. از آنجاکه دیپلماسی فرهنگی تأمین‌کننده منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است، در شرایط کنونی نیازمند ابزارهای نوین، عمومی و فراگیرتری است تا بتواند به عرصه‌ای برای ظهور همه ظرفیت‌های بالقوه و قابلیت‌های تاریخی، علمی آموزشی و هنری یک کشور با هدف جذب مخاطبین بیشتر تبدیل شود. رفیع و همکاران (۱۳۹۳) به این یافته می‌رسند که تقویت منابع فرهنگی می‌تواند قدرت نرم جامعه ایرانی را ارتقا بخشد. ملک زاده (۱۳۹۳) به این موضوع می‌پردازد که مؤلفه‌های دینی و ملی در ایران به شدت تحت تأثیر قدرت نرم است.

۱-۲. مبانی نظری

۱-۲-۱. مفهوم و اهمیت حکمرانی نرم

اگر حکمرانی را به معنای توانایی تأثیرگذاری بر دیگران به منظور کسب نتایج دلخواه در نظر بگیریم، می‌توان گفت حکمرانی نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق «جاذبه» نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم توانایی شکل دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به نحوی که تضمین کننده اطاعت و فرمانبرداری آنان باشد (اطهری و همکاران، ۱۳۹۳).

حکمرانی نرم از قدرت سخت - به طور خاص قدرت اقتصادی و نظامی که به ترتیب مبتنی بر «مشوق‌ها» (هویج) و «تهدیدات» (چماق) هستند - متمایز می‌شود. قدرت نظامی و اقتصادی هر دو ماهیتی سخت دارند و حکمرانی نرم از این حیث با آنها متفاوت است که مبتنی بر توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران است. توانایی‌ای که تولید جذابیت می‌کند و منجر به فرمان برداری و تبعیت می‌گردد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۴). حکمرانی نرم عبارت است از توانایی تغییر یا شکل دادن اولویت‌های دیگران تا بر اساس آنچه ما می‌خواهیم، فکر یا رفتار کنند. بنابراین حکمرانی نرم متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند، نتایج دلخواه را می‌گیرند؛ چون سیاست‌ها و ارزش‌های آنها برای دیگران جذابیت دارد (منیری، ۱۳۹۶).

میشل فوکو معتقد است در حکمرانی نرم نوعی اجبار (به طور غیرمستقیم از نوع قدرت سخت) پدیدار می‌شود و کارکردی دارد که در بسیاری از موارد، قدرت سخت از انجامش عاجز می‌ماند. قدرت نرم نه زور است و نه پول. در قدرت نرم، روی ذهنیت‌ها سرمایه گذاری می‌شود. در این نوع قدرت، از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از الزام به همکاری در راستای رسیدن به خواست‌ها بهره‌گیری می‌شود. اگر بازیگری موفق شود قدرت خود را در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد و نهادهایی تأسیس کند که دیگران علایق خود را بر اساس ضوابط آن نهادها هماهنگ نمایند، دیگر نیازی نیست تا بازیگر مسلط به شیوه سنتی عمل نماید و برای تحقق خواست خود از نیروی نظامی یا تهدیدات خشن استفاده کند (وفایی‌نژاد، ۱۳۹۵). حکمرانی نرم، توانایی جذب کردن است و جذابیت اغلب منجر به پذیرش همراه با رضایت می‌شود. به زبان ساده، از نظر رفتاری، قدرت نرم جذاب است. منابع دانشی حکمرانی نرم داشته‌هایی هستند که چنین جذابیتی را پدید می‌آورند. اگر من برای همراهی با شما، بدون وقوع هیچ تطمیع

یا تهدید آشکاری متقاعد شوم در واقع اگر یک جذابیت قابل مشاهده اما ناملموس تعیین کننده رفتار من باشد، حکمرانی نرم اعمال شده است. حکمرانی نرم از نوع دیگری از ارزش نه زور، نه پول برای ایجاد همکاری استفاده می‌کند و از جذابیت ارزش‌های مشترک، عدالت و مشارکت در دستیابی به آن ارزش‌ها بهره می‌گیرد (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷).

قدرت نرم از نظر نای دارای سه منبع کلی است: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست

خارجی.

فرهنگ عبارت است از دسته‌ای از ارزش‌ها و اعمال که به یک جامعه معنا می‌بخشد. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود احتمال اینکه نتایج مطلوب با هزینه اندک تحصیل شود، افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۷: ۵۲).

ارزش‌های سیاسی یک کشور می‌توانند منابع جذب و قدرتمندی یک کشور باشند. در واقع دولت‌ها با نفوذ دادن ارزش‌هایشان در سایر کشورها می‌توانند باعث جاذبه و یا دافعه خود شوند (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵).

سیاست خارجی می‌تواند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کنند. اگر یک کشور، سیاست‌هایش را به گونه‌ای تنظیم کند که بتواند بدون استفاده از تهدید و یا تطمیع، دیگران را بسیج نماید، منبع مهمی برای قدرت نرم به شمار می‌رود (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۶). در واقع اگر سیاست خارجی یک کشور از نگاه دیگر بازیگران، مشروع شمرده شود، مقبولیت آن کشور بیشتر می‌شود.

۲-۲-۱. حکمرانی فرهنگی

فرهنگ شامل بخش نرم افزاری یک تمدن می‌شود که مجموعه دانش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، طرز تلقی‌ها و آداب و رسوم که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان کسب می‌شود را شامل می‌شود (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵). فرهنگ دسته‌ای از ارزش‌ها و اعمال است که به یک جامعه معنا می‌بخشد. فرهنگ لایه‌های زیادی دارد، که در جامع‌ترین تقسیم‌بندی آن را شامل سه لایه دانسته‌اند؛ جهان بینی هسته مرکزی و ارزش‌ها و باورها لایه دوم آن را تشکیل می‌دهد و تجلی مادی دو لایه فوق، لایه سوم را عینیت می‌بخشد. فرهنگ عبارت است از باورها و ارزش‌هایی که از زیرساخت‌های فکری و جهان بینی انسان‌ها نشأت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف حیات و زیست فردی و اجتماعی زندگی متجلی می‌شود (نانینی، ۱۳۸۵: ۷۸). فرهنگ

اسلامی را می توان مجموعه عقاید، باورها، ارزش ها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه های عمل منبعث از شریعت اسلام قلمداد کرد (اطهری و همکاران، ۱۳۹۳).

حکمرانی نرم فرهنگی در راستای ترویج زبان و ادبیات، مناسبات فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از خود، قدرت شکل دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش ها، قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه های بین المللی استفاده می شود (نای، ۱۳۸۲: ۴۲). در حکمرانی فرهنگ، بر روی ذهنیت ها سرمایه گذاری می شود و از جذابیت، برای ایجاد اشتراک بین ارزش ها و تأثیرگذاری بهره برده می شود.

۳-۲-۱. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، جریانی است که یکی از مهمترین تحولات سیاسی و بین المللی قرون اخیر است. وسعت زیاد این تحولات از شمال آفریقا تا خاورمیانه سبب شده تا تحلیل ها و واکاوی های مختلفی درباره این پدیده از سوی اندیشمندان و متفکران کشورهای مختلف صورت گیرد. بیداری اسلامی واکنشی آگاهانه و برآمده از خواست مسلمانان است به رفتار خصمانه که در چارچوب اندیشه اسلامی و با هدف بازیابی هویت و کرامت اسلامی و با شعارهای آزادی خواهانه، عدالت جویانه و آرمان اسلام خواهانه شکل می گیرد (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴). بیداری اسلامی مقوله ای است که هم زمان با تهاجم همه جانبه غرب در جهان اسلام و عصر استعمار شروع شد و به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی رخ نموده است. امروز امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت در سراسر جهان بوده و ارزش های اسلامی در حال احیا می باشند. بیداری اسلامی به عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. وضعیت معادلات منطقه ای در حرکت رو به جلوی خود همسو با منافع و مصالح اسلام و جنبش های اسلامی و کاملاً در تضاد با برنامه ها و آرمان های غرب در حال رقم خوردن است. نهضت بیداری اسلامی در آغاز خیزش انقلابی به سرعت حرکت تکاملی را تجربه می کند. حرکتی که هر چه به پیش می رود به چشم انداز آرمانی خود نزدیک می شود و با اعتماد به نفس تمام در حال ویران سازی بنیادهای سیاسی و حقوقی

غرب در منطقه است (سمیعی و فتحی، ۱۳۹۳).

در واقع، تفکر بیداری اسلامی برخلاف تنوع گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوت، منادی پیام واحدی در تاریخ بدین مضمون است: ما دوباره برگشتیم تا دین را به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان بازگردانیم. این احساس و خودآگاهی، ترکیبی از دو حالت شرمندگی و قصد بازگشت به ارزش‌های ناب و راستین گذشته است؛ شرمندگی در برابر عزتی که خداوند به مؤمنین وعده داده است و امروز مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند و بازگشت به اسلام به این معنا که عقب ماندگی ما ناشی از دور شدن از اسلام است (بهرامی مقدم و حیدری، ۱۳۹۷).

۴-۲-۱. منابع فرهنگی حکمرانی انقلاب اسلامی تأثیرگذار بر بیداری اسلامی

۴-۲-۱-۱. آموزه‌های اسلامی

یکی از ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی ایران، توجه به دین اسلام به عنوان مذهب اصلی و رسمی کشور و آیین‌های مذهبی آن است. در حقیقت آموزه‌های دینی یکی از عوامل و منابع اصلی حکمرانی نرم می‌باشد که باعث تحریک و شکل دادن به کنش اجتماعی افراد پیر و یک مذهب حتی در مناطقی فراتر از مرزهای جغرافیایی یک کشور نیز می‌شود. انقلاب اسلامی ایران نیز در مقایسه با سایر انقلاب‌ها از دو ویژگی عمده برخوردار است که عبارتند از: ماهیت اسلامی داشتن و دارای ابعاد بین‌المللی بودن. بر اساس ویژگی اول انقلاب اسلامی ایران دنباله‌رو و ادامه دهنده انقلاب‌هایی است که در طول تاریخ به دست انبیاء الهی صورت گرفته و دارای ماهیتی همچون انقلاب پیامبر اکرم (ص) است و طبق ویژگی دوم، انقلاب اسلامی ایران دارای جنبه‌ها و ابعادی است که به آن خاصیتی جهانی و بین‌المللی داده و موجب جهان‌شمولی آن شده است (افتخاری و جانی‌پور، ۱۳۹۲).

اتکا بر قدرت لایزال الهی که به معنای پذیرش ولایت، خواست و قدرت خداوند است، باعث تقویت قدرت نرم می‌شود: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره: ۱۶۵) «به درستی که همه قدرت‌ها مخصوص خداوند است» خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شورا: ۹) «آیا به راستی غیر از خدا اولیایی گرفته‌اند؟ در حالی که ولی مردم، تنها خداست». از این‌رو، آیات قرآن کریم و روایات، فی‌نفسه و بالذات هیچ قدرتی جز خدا را به رسمیت نمی‌شناسند؛ زیرا انتشار قدرت و اقتدار در اسلام، از رأس به ذیل است؛ یعنی

اقتدار اصلی از خداست؛ بر خلاف دیدگاه‌های مادی که حاکمیت را اصالتاً از آن بشر می‌دانند (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۲).

دین و مذهب به مثابه یکی از مهم‌ترین کانون‌های ساطع‌کننده ارزش‌ها و باورها، از مراجع بینش‌دهنده تلقی می‌گردد. لذا از بارزترین مؤلفه‌هایی است که نقش تعیین‌کننده در افزایش یا کاهش سطح قدرت نرم دارد. ماهیت دین و مذهب به گونه‌ای است که جهت‌گیری‌های اصلی را ترسیم کرده و معیار تعریف خیر و شر است. یکی از کارکردهای دین و مذهب انگیزه‌آفرینی و تقویت ایمان و باور به هدف است. علاوه بر این، دین و مذهب ضمن جهت‌دهی به بینش‌ها و رفتارها، باورهایی عمیق در وجود افراد تولید و باز تولید می‌کند (سلیمانی، ۱۳۸۹). عنصر بیدارسازی و آگاهی بخشی که یکی از مهمترین عناصر رسالت انبیای الهی و معصومین (ع) با هدف تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها بوده و بسترساز حرکت محرومان، مستضعفان و مسلمانان بوده است که به نوبه خود به بازآفرینی ابعادی از قدرت نرم کمک کرده است. امام خمینی (ره) که ریشه عقوبت‌ماندگی ملت‌ها و مسلمانان را در غفلت، بی‌تفاوتی و از خودبیگانگی آنها و غفلت تحمیل شده از سوی قدرت‌های سلطه‌گر از يك سو و عوامل داخلی آنها از سوی دیگر می‌دانستند، تمام هم خود را مصروف آگاهی بخشی، الهام و حرکت ملت‌ها نمودند (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳) در نتیجه، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران روح خودباوری و اعتماد به نفس را به عنوان مهمترین عنصر هویت‌ساز فرهنگی جوامع اسلامی به آنها بازگرداند.

۲-۴-۲-۱. مردم‌سالاری دینی

یکی از غنی‌ترین منابع مولد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران الگوی مردم‌سالاری دینی است که از مخازن دانشی شیعه در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. این الگو را می‌توان دستاورد اساسی انقلاب اسلامی برای محیط جهانی دانست زیرا مفاهیم و ارزش‌های بدیعی را عرضه کرد که در تاریخ معاصر جهان کاملاً بی‌سابقه بود و برای ملت‌ها بسیار تازگی داشت. شدت سیطره تفکر سکولاریستی و عاری‌انگاشتن دین از هر گونه کارکرد سیاسی و اجتماعی به حدی بود که شیخ اسعد تمیمی از رهبران فلسطینی می‌گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود حتی در عرصه واژگان، برای مثال به جای جهاد از کلماتی چون نصال

و کفاح استفاده می‌شد (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷). انقلاب اسلامی با وارد ساختن مفاهیم دینی به عرصه سیاست ورزی، سیاست را صبغه‌ای الهی و قدسی بخشید. میشل فوکو عنصر معنویت را نیروی محرکه اصلی انقلاب و عامل چیرگی انقلابیون بر قدرت سخت رژیم شاه معرفی می‌کند (اطهری و همکاران، ۱۳۹۳).

ایرانیان از تمام کشورهای اسلامی جلوتر هستند و توانسته‌اند با استفاده از مبانی اندیشه‌های اسلامی حکومت و نظام سیاسی بنا کنند. کشورهای اسلامی یا در جنگ‌های قبیله‌ای به سر می‌برند، یا به دست نیروهای سکولار نظامی و مستبدان قبیله‌ای اداره می‌شوند، یا دارای نیروهای بنیادگرایی می‌باشند که اندیشه جهادی و آرمان‌های متکثر بدون مصلحت آنها قابلیت اجرا شدن ندارد. تنها ایران است که تجربه اسلام سیاسی دارد و توانسته است با توجه به زندگی پیامبر (ص) و امام علی (ع) شیوه‌های آنها در اعمال کردن و محدود کردن قدرت را عملیاتی سازند (اسلامی، ۱۳۹۳). در تاریخ سیاسی ایران، حضور و مشارکت سیاسی مؤثر مردم پیوند وثیقی با عناصر مذهبی و اعتقادات دینی آنها و نمادهای مذهبی داشته است. از عوامل اصلی کنش سیاسی مردم در روندهای ملی نیز فتاوا، اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های علما و فقهای شیعه است که مردم خود را مکلف به تبعیت از آنها می‌دانستند.

مکتب اسلامی به عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت نرم انقلاب اسلامی، ذاتاً خصلت فرهنگی دارد و زبان مشترک مسلمانان جهان است که فراهم کننده همان ویژگی فراملی انقلاب ایران است و می‌تواند از این طریق با مسلمانان جهان ارتباط برقرار کند و ارزش‌های معنوی و دینی و سیاسی خود را به آنها منتقل کند. انقلاب اسلامی ایران به جای قائل شدن به صدور فیزیکی و خشونت آمیز انقلاب، بر عناصر فرهنگی و صدور ارزش‌های انقلاب تأکید دارد. صدور فرهنگی انقلاب در کشورهای مسلمان بر پایه مؤلفه‌های ایدئولوژی اسلامی و ترویج حضور معنویت در سیاست استوار است که ارزش‌های اسلامی و انسانی را مانند عدالت طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، حمایت از مستضعفان و محرومان را از طریق آگاهی بخشی ملت‌های دیگر و آشنا کردن آنها به حقوقشان دنبال می‌کند (خرمشاد، ۱۳۹۰).

۳-۴-۲-۱. فرهنگ شهادت و مقاومت

مقاومت و شهادت در اندیشه سیاسی شیعه، عامل نجات‌بخش و یک هدف استراتژیک تلقی

می‌شود که خاستگاه آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. حضور این دو عنصر در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در به‌وجود آوردن هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان داشته و در هر دوره‌ای که از آن غفلت شده، بیچارگی و ذلت را به‌دنبال داشته است. این دو عنصر (مقاومت و شهادت)، تنها در منظومه فکری و هویت‌ساز مسلمانان یافت می‌شود؛ عناصری که حضورشان برای فرهنگ و تمدن اسلامی هویت‌ساز، و بسترساز اعتماد به نفس و خودباوری مسلمانان و ترس و زیونی دشمنان اسلامی است (محمدی، ۱۳۸۹). فوکویاما در این باره می‌گوید: «بال سرخ شیعه شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است» (ایزدی، ۱۳۸۷: ۸). ناب‌ترین درسی که شیعیان از نهضت امام حسین (ع) می‌گیرند، آرزوی شهادت در راه آن حضرت است. این خصیصه منبعی از حکمرانی نرم ایجاد می‌کند که هیچ کدام از انواع قدرت سخت و نرم در برابرش تاب مقاومت ندارد (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴). امام خمینی (ره) فرمود: «منطق، منطق صدر اسلام است. اگر بکشیم به بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم، به بهشت می‌رویم. این منطق شکست ندارد (همان، ۱۳۹۴).

نشانه‌های قدرت نرم گفتمان مقاومت در محیط منطقه‌ای را می‌توان در بستر بازتولید سه عنصر عدالتخواهی، صهیونیسم ستیزی و صلح‌طلبی مثبت مورد توجه قرار داد. عنصر صهیونیسم ستیزی و سلطه ستیزی، بعد سلبی گفتمان مقاومت می‌باشد، در حالی که عدالت خواهی و حق‌طلبی وجه ایجابی این گفتمان را تشکیل می‌دهد (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳). روحیه شهادت‌طلبی را باید به منزله یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در میان جنبش‌های اسلامی به‌شمار آورد. این فرهنگ ملهم از آموزه‌های شیعه و نهضت عاشورا می‌باشد. غفلت از جهاد و شهادت در جامعه اسلامی موجب ذلت مسلمانان آن جامعه می‌شود و داشتن روحیه جهاد و شهادت، آفریننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان است.

۴-۲-۱. معنویت انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با تبیین اندیشه تحول بر مبنای معنویت و اسلام و احیای دین در سطح جهان توانست ضمن به چالش کشیدن مکاتب مادی و ضد ارزش ساختن سلطه‌گری قدرت

های جهانی به دگرگون سازی معادلات بین المللی نیز مبادرت ورزد. این رستاخیز فرهنگی که بر همگرایی اسلامی و پی- ریزی قطب جهانی دنیای اسلام تأکید میورزید، توانست پرچمداری مبارزه با تهاجم فرهنگی شرق و غرب را به عهده گیرد و با ارائه تصویری جدید از دین به عنوان مجموعه ای از اعتقادات، آمال، اعمال و احساسات حول مفهوم حقیقت نمایی سامان یافته که با ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیوند و نسبت مداوم دارد، به بازسازی تمدن اسلامی همت گمارد (مایلی و جانی پور، ۱۳۹۲). از جمله اصولی که موجب افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی شده و نشان از جایگاه خیرخواهانه ایران در سیاست خارجی دارد التزام به اصل امت واحده و جلوگیری از بروز تفرقه و اختلاف میان امت اسلامی است. در این خصوص قرآن کریم می فرماید: «این امت شماسست که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم پس مرا بپرستید». بر اساس تعالیم الهی، انقلاب اسلامی با الهام گرفتن از تعالیم قرآنی، تلاش در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان امت اسلامی را به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی خود برگزید و در قانون اساسی خود نیز بر آن تصریح نمود. چنانکه در قانون اساسی ذیل اصل یازدهم بعد از اشاره به آیه شریفه می نویسد: «همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۱).

انقلاب اسلامی ایران را می توان در ردیف مهمترین تحولات تاریخ معاصر جهان دانست. این حرکت عظیم الهی - مردمی که با شعار بازگشت دین به عرصه تعاملات اجتماعی بشر به پیروزی رسید نه تنها در داخل که در خارج از مرزهای ایران نیز تأثیرات شگرفی بر جای گذاشته است (محمد میرزایی، ۱۴۰۱).

انقلاب اسلامی با حمایت از مسلمانان، نهضت ها و حرکت های آزادیبخش توانست به احیای مجدد تمدن اسلامی در عرصه بین الملل همت گمارد. این انقلاب توانست به عنوان انقلابی واقعی، مردمی، مترقی و اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی در جهان نوین و با تبیین پیام وحدت و قدرت جهان اسلام چهره حقیقی قدرت نرم افزاری خود را بر جهانیان بنمایاند و با پیام معنوی و اخلاقی خود به عنوان انقلابی نیرومند در معادلات جهانی مؤثر باشد و با گشودن جبهه ای سوم در نظام بین الملل فارغ از سلطه قدرت های جهانی، نظم نوین نرم افزاری را در روابط بین الملل رقم زند. مهمترین نکته ای که باید آن را تأثیر اصلی قدرت نرم انقلاب

اسلامی ایران بر ملت‌های منطقه دانست، ایجاد باور و امید به امکان‌پذیر بودن تغییر است که با الهام بخشی خود توانست با ارائه الگویی به نسبت موفق از کارایی دین در ایجاد یک انقلاب و برپایی یک نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و ایستادگی در برابر فشارهای دولت‌های غربی، راه نوینی را در مسیر ملت‌های منطقه بگشاید (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴).

۵-۴-۱. ولایت فقیه

نفوذ مرجعیت شیعه را بدون تردید باید یکی از مهم‌ترین عوامل حکمرانی نرم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دانست. در این حالت مرجعیت به دلیل کارکرد بسیار مهمی که در مذهب شیعه برای آن در نظر گرفته شده است، ظرفیت فوق‌العاده‌ای جهت اعمال نفوذ بر افکار عمومی شیعیان، تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی شان و تعیین دستورکار برای آنان دارد. لذا از آن جایی که دامنه نفوذ مرجعیت هرگز محدود به مرزهای جغرافیایی نیست و حتی شیعیان ساکن در کشورهای خارجی را نیز در بر می‌گیرد، می‌توان این نهاد را یک منبع مولد حکمرانی نرم فرهنگی به حساب آورد. پیروزی انقلاب اسلامی موجب تقویت آن شد تا جایی که امروزه مراجع حوزه قم از نفوذ چشمگیری در سراسر جهان تشیع برخوردارند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۶).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر در عصر غیبت را به ولایت فقیه سپرده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵).

ولایت فقیه در اندیشه سیاسی شیعیان، در طول نبوت و امامت معصومان (ع) قرار می‌گیرد و لازمه عقیده به نبوت، امامت و اهداف بعثت پیامبران، حاکمیت پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام و در تداوم آن، امر ولایت فقیه است؛ بدین معنا که ولی فقیه در عصر غیبت امام معصوم (ع)، ادامه‌دهنده همان راه است و همه امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر و امامان معصوم (ع) مقرر شده است، برای ولی فقیه جامع‌الشرایط نیز وجود دارد. امام خمینی (ره) در این باره معتقد است: «امروز فقهای اسلام حجت بر مردم هستند. همان‌طور که حضرت رسول (ص) حجت خدا بود و همه امور به او سپرده شده بود و هرکس تخلف می‌کرد، بر او احتجاج می‌شد، فقها از سوی امام (ع) حجت بر مردم هستند. همه امور و تمام کارهای

مسلمانان به آنان واگذار شده است» (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) نیز نمونه بارز و شاخص قدرت ولایت و ولایت‌پذیری در عصر حاضر است که تعجب همگان برا برانگیخت تا جایی که هیک وزیر امور خارجه وقت آمریکا در این باره این چنین اظهارنظر می‌کند: «آمریکا هنوز موفق نشده است در برابر حتی یکی از مواضع رهبری انقلاب ایران موفق و پیروز شود و هنوز ابعاد مرموز و سری رهبری غیرعادی انقلاب ایران ناشناخته است.» میشل فوکو با اذعان به قدرت ولایت فقیه می‌نویسد: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلوی به افسانه می‌زند، هیچ رهبری سیاسی، نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین نیرومند دارند.» (ملکوتیان، ۱۳۷۸: ۱۴۸)

۲. نتیجه‌گیری

شکی نیست قدرت نرم انقلاب اسلامی در چند دهه اخیر رو به فزونی بوده و تکانه‌های این جنبش مذهبی از محدوده خاورمیانه نیز گذشته است. آمیخته بودن بنیادهای انقلاب اسلامی با بنیادهای اعتقادی جامعه سبب شده است تا این نهضت از چنان قدرتی برخوردار باشد که مجموعه دشمنی‌های قدرت‌های بین‌المللی نتواند آن را به تسلیم وادارد. انقلاب اسلامی ایران مرحله‌ای در گسترش و نقش‌آفرینی اسلام به عنوان نیروی جریان‌ساز است که سبب گسترش بیداری اسلامی و اسلام‌گرایی و در نهایت ایجاد یک امت واحد در جهان اسلام به عنوان یک هویت واحد شده است. امت اسلامی دارای يك هویت دینی خاص است؛ بدیهی است از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولین در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب است. انقلاب اسلامی، به عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دینی با تکیه بر روش‌ها و شیوه‌های خاص حکومت‌داری، شکل‌گرفت و مدل جدیدی از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را به نمایش گذاشت، الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل جدیدی از تأثیرگذاری و متفاوتی از کارکرد تاریخی مزبور را بنا نهاد و نوعی از جریان‌آویزی، بیداری فکری و ایدئولوژیک را سامان داد و هدایت کرد. منابع و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده حکمرانی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت فرهنگی این انقلاب بسیار فراوان است. اصول اعتقادات اسلامی را شاید بتوان به عنوان مهم‌ترین سرچشمه انقلاب اسلامی ایران دانست. یکی از پیام‌های اصلی انقلاب اسلامی همان ورود دین به ساحت

اجتماع و سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی بوده است. در این چهارچوب سیاست باید زمینه‌ساز تحقق ارزش‌های دینی به خصوص دین اسلام باشد. در حالی که اکثر انقلاب‌های معاصر سرچشمه اندیشه‌های خود را از مکاتبی چون ناسیونالیسم و یا کمونیسم می‌گرفتند، مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) اسلام را به عنوان اندیشه انقلابی خود برگزیدند. در فرایند انقلاب اسلامی، اسلام شیعی به مثابه جهان‌بینی راهنمای عمل و رهایی‌ساز جلوه‌گر شد. در این زمینه نقش امام خمینی (ره) به عنوان نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی برجسته بود. مهم‌ترین اقدام در این زمینه ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه، سیاست بود. مبنای این تغییرات تفسیر جدیدی بود که امام از مفاهیم، آموزه‌های و نمادهای اسلام شیعی انجام داد.

انقلاب اسلامی با تکیه بر حکمرانی فرهنگی به ویژه ارزش‌هایی نظیر آموزه‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ مقاومت و شهادت، معنویت و ولایت فقیه توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد و اقتدار فرهنگی و نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصه ظهور رساند.

فهرست منابع

۱. ابوالفتحی، محمد و سعید پیرمحمدی (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸۶.
۲. اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، سال ۳، شماره ۱۰.
۳. اطهری، سید اسدالله؛ عنایتی شبکلاتی، علی؛ حسینی، سید محمد امین (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در عراق و سوریه، اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۱۱.
۴. افتخاری، اصغر و محمد جانی‌پور (۱۳۹۲). منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران (تحلیل وصیت نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۳، شماره ۱.
۵. افضل‌ی، رسول، ذکی، یاشار و محمدحسین دشتی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۲.
۶. افضل‌ی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷). مولفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۷.
۷. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات بسیج، شماره ۴۱.
۸. بابایی، عباس؛ باصری، احمد؛ مرادی، حجت‌اله (۱۳۹۶). بررسی راهبردهای ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر هیات‌های مذهبی، مطالعات عملیات روانی، شماره ۴۶.
۹. بهرامی مقدم، سجاد و مهدیه حیدری (۱۳۹۷). بررسی فرایند بیداری اسلامی در جهان اسلام در پرتو انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۷، شماره ۱۳.
۱۰. پلتکا، دنیل؛ دابلیو کاگان، فردریک؛ مترجم: قنبری خانقاه، قاسم (۱۳۹۳). قدرت نرم آمریکا در برابر قدرت نرم ایران؛ رقابت برای آینده خاورمیانه، رصد جنگ نرم، شماره ۳.
۱۱. جهانگیر، کیامرث و حسن ملکی (۱۳۹۴). بیداری اسلامی؛ ریشه‌ها و زمینه‌ها، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۲.

۱۲. خرمشاد، محمداقبر (۱۳۹۰). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در رویکرد نظری، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۱). مقاومت اسلامی در گستره سیاست جهانی، بنیاد فرهنگی صبح قریب.
۱۴. ذوالفقاری، مهدی و فرزانه دشتی (۱۳۹۷). مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۷، شماره ۱۹.
۱۵. رشید، غلامعلی؛ پاشایی هولاسو، امین (۱۳۹۸). بررسی نقش و ارائه الگوی تأثیرگذار مدیریت دانش بر انتقال فرهنگ دفاع مقدس، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۷۵.
۱۶. رفیع، حسین؛ قربی، سید محمد جواد؛ دانش، حسین (۱۳۹۳). منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ (مطالعه موردی سند چشم انداز ۱۴۰۴)، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۸.
۱۷. رهبر، عباسعلی، نجات‌پور، مجید و مجتبی موسوی‌نژاد (۱۳۹۴). قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۴، شماره ۱۴.
۱۸. سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹). نرم افزار گرایي در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۵، شماره ۱۵.
۱۹. عباسی، مجید (۱۳۹۹). بازتاب‌های سازه انگارانه انقلاب اسلامی ایران بر تحولات انقلابی جهان عرب، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۹، شماره ۱۷.
۲۰. قربی، سیدمحمدجواد و منصور حیدری (۱۳۹۷). فرهنگ و قدرت نرم؛ مطالعه منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۷، شماره ۲۶.
۲۱. مایلی، محمدرضا و مریم مطیعی (۱۳۹۵). قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۲۲. محمدمیرزایی، حسن (۱۴۰۱). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲۳.
۲۳. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران، پانزده خرداد، شماره ۱۶.

۲۴. مرادپور دهنوی، امیرحسین (۱۳۹۹). درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۹، شماره ۱۸.
۲۵. ملک زاده، محمد (۱۳۹۳). مؤلفه‌های دینی و ملی قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی، شماره ۶۸.
۲۶. منیری، حمید رضا (۱۳۹۶). تبیین پیمایشی فرصتها، موانع و راهکارهای نفوذ قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی در حج، میقات حج، شماره ۱۰۱.
۲۷. میراحمدی، منصور و مهدی جعفری پناه (۱۳۹۱). مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی، فصلنامه معرفت سیاسی، سال ۴، شماره ۲.
۲۸. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ابزار موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۹. نائینی، علی محمد (۱۳۸۵). امنیت فرهنگی، نظریه‌ها و رویکردها، شماره ۱۴.
۳۰. وفائی نژاد، علیرضا (۱۳۹۵). بررسی نقش فرهنگ و هنر اسلامی در بازتولید قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۴.
۳۱. یزدانی، عنایت الله، سلطانی، محمد جواد و مصطفی قاسمی (۱۳۹۴). مردم‌سالاری دینی: قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۱۲.
32. Sharp Gene (1973b), *The Politics of Nonviolent Action: The Methods of Nonviolent Action*. Boston: Extending Horizons Books.
33. Nye, Joseph (2004), *Soft Power, New York: public affairs*. – Nye, Joseph (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Carnegie Council of Ethics and International Affairs.